

زندگی و مبارزات سیاسی آیت‌الله طالقانی به روایت اسناد

محمد رضا تمری

<http://www.irdc.ir/fa/content/18116/default.aspx>

پس از سرکوب قیام سال ۴۲ - خرداد - آیت‌الله طالقانی به ده سال حبس محکوم شد که در اسناد موجود علت بازداشت ایشان اقدام بر ضد امنیت داخلی عنوان شده است. زمانی که آیت‌الله طالقانی در زندان به سر می‌بردند شایعه عدم موافقت ایشان با پیشنهاد فرستادگان محمد رضا شاه مبنی بر آزادی مشروط آیت‌الله طالقانی در زندان پخش شده بود به طوری که اداره پلیس تهران در خصوص پیشنهاد مذکور چنین گزارشی می‌دهد: «اطلاع واصله حاکی است سید محمود طالقانی پیشنهاد مسجد هدایت ... به ده سال زندان محکوم می‌باشد و طرفداران وی شایع کرده اند که به امر شاهنشاه آریامهر چند نفر در زندان با سید محمود طالقانی ملاقات و در مورد آزادی مشارالیه شرایطی پیشنهاد نموده‌اند لکن با آن موافقت نکرده و حاضر نیست با این طریق از زندان آزاد شود».

آیت‌الله سید محمود طالقانی در اواخر حکومت سلسله قاجاریه پا به عرصه گیتی نهاد و پس از پشت سر نهادن دوران حکومت پهلوی اول و دوم، و چند ماه بعد از به ثمر رسیدن پیروزی انقلاب اسلامی ایران چشم از جهان فرو بست. (۱)

ایشان تحصیلات خود را در علوم دینی در مدارس رضویه و فیضیه تا سال ۱۳۱۷ ادامه داد و بعد از آن در مدرسه سپهسالار به تدریس علوم دین مبادرت ورزید و در سال ۱۳۱۸ به دلیل اعتراض به سیاست‌های رضا خانی زندانی شد، ایشان به فعالیتهای فرهنگی و تبلیغی علاقمند بود به طوری که پس از شهریور ۱۳۲۰ کانون اسلام را تأسیس نمود و به گفتن تفسیر برای عموم مردم پرداخت و گروههای مختلف از جمله دانشجویان در جلسات تفسیر قرآن ایشان شرکت میکردند. (۲)

در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، آیت‌الله طالقانی به اتهام پنهان کردن شهید نواب صفوی مجدداً به زندان افتاد و پس از ترور حسین علاء نواب و دوستانش برای مدتی در منزل آیت‌الله طالقانی پنهان شدند. (۳)

ایشان در سال ۱۳۳۸ به همراه میرزا خلیل کمره در کنفرانس بیتالمقدس شرکت نمود و از طرف آیت‌الله بروجردی برای رساندن پیام ایشان به شیخ شلتوت راهی مصر شد و در جریان نهضت ملی نفت مبارزات ارزندهای از خود نشان داد و در تهران با روحانیون مدافع نهضت ملی و چهرههایی چون بازرگان همراه نمود و در سال ۱۳۴۰ به جمع بنیانگذاران نهضت آزادی پیوست اما از نظر سیاسی عمیقتر و تندتر از بازرگان و فعالتر و عقیدت‌تر بود. (۴)

سید محمود به دنبال مبارزات و فعالیتهای سیاسی در سال ۱۳۴۱ همراه نهضتیها برای مدتی به زندان رفت و بار دیگر در سال ۱۳۴۲ پس از قیام ۱۵ خرداد و دستگیر و به ده سال محکوم شد که در سال ۱۳۴۶ به دنبال عفو عمومی از زندان آزاد شد و علماً هم عمل رژیم را در محکوم نمودن ایشان را به باد انتقاد گرفتند و در واقع حضور آیت‌الله طالقانی در جمع زندانیان نهضت آزادی موجب گردید تا مراجع تقلید به دفاع از آنان بپردازند و اعلامیههایی صادر نمایند. آیت‌الله

طالقانی مسجد هدایت را کانون تبلیغ و ترویج دین کرده و جلسات پرسش و پاسخ به مدت سی سال آن هم به صورت ماهیانه در این مسجد تشکیل میشد و جوانان تحصیلکرده در این جلسات حضور داشتند. (۵)

مباحث ایشان عمدتاً پیرامون رواج فساد و اخلاق در جامعه، مبارزه با ظلم و ستم و بگیر و ببند رژیم نسبت به افراد آزادیخواه بود. ایشان در خطبه نماز جمعه در مورخه ۴/۱۰/۴۷ در خصوص عدم جدایی دین از سیاست چنین بیان نمود: «از اینکه دین را در چند جمله خلاصه کرده‌ایم انتقاد کرده و تأکید کرد که مسلمانی و دین داشتن، یعنی تعیین سرنوشت، استقرار محیطی امن، آزادی بیان، دخالت در امور زندگی، دخالت در اقتصاد، دخالت در بیتالمال مملکت» (۶).

آیتالله طالقانی به سخنرانیهای خود در مسجد هدایت ادامه داد و به همین خاطر از طرف ساواک ممنوع‌المنبر شد. با این حال گروههای مختلف طرفدار ایشان بودند که ساواک مریدان آیتالله طالقانی را به پنج دسته تقسیم نموده است:

۱- سران نهضت آزادی و جبهه ملی

۲- دانشجویان و دانش آموزان

۳- مهندسين انجمن اسلامی

۴- افراد اداری و فرهنگی

۵- تجار و بازاریان

سید محمود در سال ۱۳۵۰ بار دیگر دستگیر و تبعید و هیجده ماه بعد به تهران بازگشت و بار دیگر در سال ۱۳۵۴ زندگی و در آبان ۱۳۵۷ به همراه آیتالله منتظری آزاد شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی - حسب اعتماد امام به ایشان - به امامت جمعه تهران منصوب نمود و سرانجام در ۱۹ شهریور ۱۳۵۸ چشم از جهان فرو بست. (۷)

اهتمام آیتالله طالقانی به مبارزه با فساد

آیتالله طالقانی از جمله روحانیونی بود که به قول امام خمینی از حبس به حبس دیگر و از رنجی به رنج دیگر در رفت و آمد بود و این حبسها و تبعیدها ناشی از فعالیتها و مبارزات علیه وضع موجود در عصر پهلوی بود. (۸) عصری که فساد سیاسی - اجتماعی، اقتصادی ... بر جامعه سایه افکنده بود، به طوری که یکی از مباحث آیتالله طالقانی مسأله فساد و گسترش بیبند و باری در جامعه بود و در اسناد و مدارک نیز این امر مشهود است. به طوری که در گزارشهای شهربانی کل کشور و کلانتری ۲ تهران طرح چنین مباحثی از سوی آیت الله طالقانی قابل ملاحظه است به طوری که در گزارشی در خصوص یکی از سخنرانیهای ایشان چنین آمده است:

«اطلاعیه واصله حاکی است ... سید محمود طالقانی و اعظ و پیشنماز مسجد [هدایت] ... اظهار داشته که چرخ مملکت به دست یکی عده میچرخد که زبنانان حکومت میکند حاکمان عروسکهای هستند که در دست زنان قرار دارند و نشریات امروز پر از طلاق، هنرپیشهها و ستارهها ...» (۹)

یکی از اقدامات رژیم پهلوی دین ستیزی و سست کردن اعتقادات دینی جوانان بود که از راههای مختلف چون سینماها، نشریات، کابارهها، پارکها ... صورت می گرفت و آیتالله طالقانی به عنوان يك عالم و مبلغ دینی به وجود سستی و گرایش جوانان به مراکز فساد پی برده بود خود در سخنرانیهای ایشان به این مسأله اشاره شده و در گزارش دیگر چنین عنوان شده است: «هر کسی بخواهد نفسی بکشد صدایش در گلویش خفه میکنند نظر به اینکه دست استعمار در کار است برای منحرف ساختن استعداد و اجتماع، فیلمهای منحرف کننده را به معرض نمایش میگذارند و اگر روزی صاحب قدرت شوید و توانستید جلوی میگساری و نمایش فیلمهای مضر را بگیرید میتوانید وضع مملکت را درست کنند...» (۱۰)

سید محمود طالقانی در جای دیگر اظهار داشتن نعمتهای هستی و آنچه در طبیعت وجود دارد برای استفاده مردم میباشد و این در حالی است که اجتماع جوانان را منحرف نموده و جوانان ما فقط با يك بلیط قانع می باشند که بروند جلو سینما بایستند و لنگ و پاچه تماشا کنند تو ادارات جز کاغذ سیاه کردن کار دیگر برای ما نمیکنند. (۱۱)

سید محمود در یکی دیگر سخنرانیها خود به تأثیرات تبلیغات رژیم بر روی نسل جوانان در زمینه دین گریزی اشاره نموده است به طوری که کلانتری ۲ تهران در خصوص سخنرانی ایشان در مسجد هدایت در خصوص گسترش فساد در جامعه و به خصوص رجال حاکمه چنین گزارش میدهد:

«محترما به استحضار میرساند ... روز ۴۰/۱۲/۱۲ مجلس وعظ در مسجد هدایت برقرار ... آقای سید محمود طالقانی ... اظهار نمود اگر به جوانان بگویند بروید به مسجد پاسخ میدهند گوش به حرف این وعاظ ندهید این صحبت ها قدیمی شده است. و مدعی متمدن بودن هستند تا با بردن زنهای لخت و عریان به خیابانها خود را متمدن میدانند سپس اضافه نمود يك نفر نخست وزیر که نتواند جلوی ناموس خود را بگیرد چطور میتواند از او توقع حفظ مملکت و ناموس سایرین را داشت ...» (۱۲)

نگاه آیتالله طالقانی رژیم پهلوی به هیأت حاکمه

موضوع دیگر قابل توجه، نگاه آیتالله طالقانی به رژیم پهلوی و هیأت حاکمه ... میباشد به طوری که بر اساس یکی از گزارشهای شهربانی کل کشور - اشاره شد - سید محمود عملکرد رژیم پهلوی را زیر سؤال برده است و با کنایه شخص اول مملکت را جنایتکار و هوس پرست و حامی دزدان و فاحشه بینالمللی قلمداد کرده است و این در حالی است که شاه از سوی دیگر از مردم شهادت میگیرد که این کشور اسلامی است. (۱۳)

حدود يك ماه پس از این سخنرانی سید محمود طالقانی دستگیر و بازداشت شد به طوری که فرماندار تهران و حومه در خصوص توقیف آیتالله طالقانی در یکی از روستاهای رودهن چنین گزارش شده: «پیشگاه اعلیحضرت شاهنشاه بزرگ ارتشتاران: مفتخرا به شرف عرض میرساند امروز سید محمود طالقانی در یکی از آبادیهای شمال رودهن و فرزندش نیز در تهران دستگیر و بازداشت گردید طرح پیشبینی شده اجرا گردیده است» (۱۴)

آیتالله طالقانی در سخنرانی دیگر: تاریخ ۴۱/۸/۵ که بیشتر جنبه تبلیغاتی و تحریک مردم را داشته وضع حکومت کنونی را استبدادی تلقی نموده و مردم را به عدم اطاعت تشویق کرد و مردم را به بیداری و مبارزه با بیعدالتی دعوت نموده

است. (۱۵)

به دنبال فعالیتهای ایشان کلانتری ۲۸ تجریش ناچار شد طی درخواستی جهت جلوگیری از سخنرانی آیتالله طالقانی در دهه دوم محرم اقدام نماید که در این درخواست آمده است «... در مورد سخنان محمود طالقانی واعظ ... مجدداً نامبرده ... سخنان تند و اهانتآمیزی به دستگاه دولت و هیأت حاکمه ایراد نموده به استحضار میرساند طبق اطلاع واصله نامبرده خیال دارد در دهه دوم محرم نیز در مسجد همت تجریش سخنرانی نماید که به نظر میرسد از نظر حفظ حیثیت دولتی به طور حتم از ادامه سخنرانی نامبرده که موجبات تجری کامل را فراهم نموده است جلوگیری شود». (۱۶)

هنگامی که رژیم مبادرت به بازداشت آیتالله طالقانی به همراه مهندس بازرگان و تنی چند از سران نهضت آزادی رفت و آنان را بازداشت کرد جمعی از دانشجویان مسلمان از امام خواستند برای آزادی رهبران نهضت آزادی اقدامی به آورد. امام هم در پاسخ جوانان فرمودند از زندانی بودن آیتالله طالقانی و مهندس بازرگان افسرده نباشید و تا زندان رفتن نباشد پیروزی هم حاصل نمیشود و هدف بالاتر از آزاد شدن عدهای است که هدف اسلام و استقلال مملکت و طرد اسراییل و اتحاد کشورهای اسلامی میباشد. (۱۷)

آیتالله در یکی از سخنرانیهای خود در مسجد هدایت ضمن بیان مسائل دینی، وزیر کشور سابق را احمق و عدهای از وکلای سابق را نیز احمق قلمداد نموده است. (۱۸)

پس از سرکوب قیام سال ۴۲ - خرداد - آیتالله طالقانی به ده سال حبس محکوم شد که در اسناد موجود علت بازداشت ایشان اقدام بر ضد امنیت داخلی عنوان شده است. زمانی که آیتالله طالقانی در زندان به سر میبردند شایعه عدم موافقت ایشان با پیشنهاد فرستادگان محمدرضا شاه مبنی بر آزادی مشروط آیتالله طالقانی در زندان پخش شده بود به طوری که اداره پلیس تهران در خصوص پیشنهاد مذکور چنین گزارشی میدهد: «اطلاع واصله حاکی است سید محمود طالقانی پیشنماز مسجد هدایت ... به ده سال زندان محکوم میباشد و طرفداران وی شایع کرده اند که به امر شاهنشاه آریامهر چند نفر در زندان با سید محمود طالقانی ملاقات و در مورد آزادی مشارالیه شرایطی پیشنهاد نمودهاند لکن با آن موافقت نکرده و حاض نیست با این طریق از زندان آزاد شود». (۱۹)

البته ایشان پس از چند سال در سال ۱۳۴۶ بر اثر فشار افکار عمومی آزاد شدند که سپهبد مبصر رییس شهرداری کل کشور در خصوص محکومیت و چگونگی عفو آیتالله طالقانی چنین اعلام میکند:

«نامبرده بالا به اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی کشور از طرف اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی به ده سال حبس محکوم و از تاریخ ۶/۱۱/۴۱ بازداشت بوده به موجب نامه شماره اداره مذکور، بقیه محکومیتش مشمول عفو ملوکانه روز ۲/۸/۴۶ از زندان آزاد گردیده ...» (۲۰)

سید محمود طالقانی در ادامه مبارزات علیه رژیم شاه و دربار را مورد حمله قرار داده به طوری که طی يك اعلامیه محمدرضا شاه را خائن و دربار را جاسوس بیگانه که لانه اسراییل و بهایی است معرفی کرده است. (۲۱)

رژیم ناچار شد که به ایشان تذکر دهند که مطالبی خارج از امور مذهبی و خلاف مصالح مملکت ایراد ننماید و در غیر این صورت از عبور مرور ایشان جلوگیری خواهند شد. (۲۲)

آیتالله طالقانی و مسأله نفوذ یهودیان و اسراییل: آیتالله سید محمود طالقانی در سخنرانیهای خود به نفوذ یهودیان در جامعه ایران اشاره نموده و در گزارشی چنین آمده است: «طبق اطلاع واصله ساعت ۲۱ روز جاری آقای سید محمود طالقانی ضمن سخنرانی ... درباره اعمال و خرابکاری یهود اظهار داشته ... این مسخره است در يك کشور اسلامی تمام سرمایه ملت در دست این افراد ... است» (۲۳) کلانتری ۲۸ تجریش در خصوص سخنرانی سید محمود درباره نفوذ یهود در جامعه ایران چنین گزارش میدهد «... آقای سید محمود طالقانی به منبر رفته ... و ضمن سخنرانی به اقلیت یهود در ایران اشاره و شدیداً به آنان حمله نمود اظهار داشته حکومتهایی که به این طبقه کمک میکند دشمن ملت مسلمان میباشند و اضافه نمود استعمار شکست خورده به صورت صهیونیسم و صهیونیسم به صورت اسراییل و اسراییل به صورت بهاییگری در تام شئون مملکت تجمع کرده و کشور را به زوال و نیستی سوق میدهند و دولت هم اجازه تأسیس سفارتخانه به آنها می دهد و در مجالس آنان شرکت میجوید و حتی دکتر ارسنجانی - وزیر کشاورزی - مستشاران اسراییلی را برای تقسیم املاک اراضی به ایران میآورد و به آقای دکتر ارسنجانی باید گفت اگر مملکت ما مهندس لایق برای کار نبود چرا از سایر کشورهای اروپایی و آسیایی مستشار نیارودید و از اسراییل برای کشور مسلمان مستشار آوردید ... سپس آیه ای از کلام مجید قرائت و کلمه طاغوت را دیکتاتور معنی و مبارزه علیه دیکتاتوری را جهاد در راه خدا و جز عبادت بیان عبادت بیان کرد...» (۲۴)

واکنش آیتالله طالقانی به نفوذ استعمارگران

سید محمود طالقانی بنابر گزارش ساواک در یکی از اظهارات خود بیان میکند که شاه ایران دلار از مملکت خارج می کند و در بانکهای خارج میگذارد و در واقع پشتیبان دولت روس و انگلیس و وی را به نحوی استعمارپرست قلمداد میکند و این در حالی است که مردم می خواهند در مسجد هدایت مراسم ختم برگزار کنند که دستگاه پلیس مانع آنان میشود و در ادامه اظهار میکند که پلیس غلط میکند جلوگیری و دخالت نماید. (۲۵)

کلانتری ۲۸ تجریش در خصوص سخنرانی سید محمود در تکیه دزاشیب اعلام کرده که ایشان ضمن بیانات خود به حضور مستشاران آمریکایی در ایران حمله نموده است ... (۲۶)

رییس شهربانی کل کشور در خصوص سخنرانی آیتالله طالقانی گزارش میدهد که ایشان مردم را تحریک و تشویق میکند که با صدای بلند به ملل اروپایی و آمریکایی بفهمانید ملت ایران طالب حق و حقیقت و آزادی است (۲۷)

اعمال محدودیتها: سرانجام رژیم پهلوی آیت الله طالقانی را به خاطر فعالیتها گسترده طی بخشنامه‌های جزء و عاظ ممنوع‌المنبر قرار داد. (۲۸) و مولوی رییس پلیس تهران هم در خصوص سخنرانی ایشان - با وجود اینکه آیت‌الله طالقانی ممنوع‌المنبر بوده - چنین گزارش میدهد:

«طبق گزارش منطقه ۳ اطلاعاتی ساعت ۲۴ ... ۵۰/۸/۱۸ آقای سید محمود علایی طالقانی پیشنهاد مسجد هدایت به استناد بخشنامه شماره ... جزء و عاظ ممنوع‌المنبر میباشد ، در مسجد مذکور به منبر رفته ... و در حضور عده‌کثیری که اکثرا از طبقات جوان و دانشجویان بوده‌اند مطالبی ایراد نموده است ...» (۲۹) اداره اطلاعات شهربانی هم در مکاتبات با سازمان اطلاعات و امنیت کشور در خصوص لزوم جلوگیری از سخنرانی ایشان در مسجد فوق‌الذکر چنین عنوان میکند: «نامبرده بالا کرارا در مسجد هدایت نسبت به مأمورین انتظامی اهانت و مبادرت به ایراد اظهاراتی بر خلاف مصالح مملکت مینماید چون در نظر است از ورود مشارالیه به مسجد جلوگیری شود خواهشمند است دستور فرمایید نظریه آن سازمان را در این مورد به شهربانی کل اعلام دارند». (۳۰) ارتشید نصیری - رییس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - در تاریخ ۱۳۵۰/۹/۳ در خصوص اعمال و رفتار آیت‌الله طالقانی عنوان میکند که ایشان از عناصر ناراحت و اخلاک‌گر میباشد که به کرات مبادرت به فعالیت‌های مضره و تحریک افکار عمومی و اقدام علیه امنیت مصالح کشور نموده و دارای سابقه محکومیت نیز میباشد، نصیری در ادامه میگوید با توجه به اینکه تنبیهات مقرر دربارۀ نامبرده مؤثر نبوده و همچنان به رویه ناصواب خود ادامه میدهد لذا وجود ایشان در منطقه تهران موجب اخلال در نظم و سلب آسایش عمومی و ایجاد بلوا و آشوب احتمالی است... (۳۱) سرانجام برای طرد و تبعید آیت‌الله طالقانی کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی در تهران تشکیل شد و رأی خود را صادر و ایشان را به سه سال اقامت اجباری در شهرستان زابل محکوم کرد. بعد از محکومیت ، رژیم در صدد برآمد که برای جلوگیری از تماس ایشان با هواداران و به گفته ساواک برای ممانعت از تحریکات و تشویش افکار عمومی و عدم آشوب و فعالیت‌های خلاف مصالح مملکت محدودیت‌هایی برای ایشان به عمل آورند و اعمال و رفتار وی را تحت کنترل و مراقبت قرار دهند. (۳۲)

سروان مرادی - جانشین رییس شهربانی زابل تلاش نمود که محل تبعید وی را تغییر دهد و در تاریخ ۱۳۵۰/۱۱/۲۴ در خصوص انتقال آیت‌الله طالقانی به شهرستان سراوان و دلایل ضرورت این انتقال چنین درخواست مینمود: «محترماً پیرو گزارشی ... مقام عالی را آگاه می‌سازم چون شهرستان زابل در مجاورت مرز قرار گرفته و اکثریت مردم زابل اهل تشیع میباشند برای جلوگیری از هر گونه پیشامدی گماردن مأمور مراقبت ضروری به نظر رسید که به همین نحو عمل شده است استدعا دارد امر و مقرر فرمایید هر چه زودتر نسبت به انتقال وی به شهرستان سراوان که بیشتر اهالی آن اهل تسنن میباشند اقدام فوری معمول فرمایند» (۳۳)

سرهنگ فرزانه در جواب جانشین رییس شهربانی زابل اعلام میکند که کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی در دفتر فرمانداری تشکیل گردید و تغییر محل ایشان ضروری تشخیص داده نشد و با انتقال وی به سراوان موافقت صورت نگرفت. (۳۴)

آیتالله طالقانی که به سه سال اقامت اجباری در شهرستان زابل محکوم شده بود پس از مدتی به پرونده ایشان رسیدگی و محل اقامت ایشان به بافت تغییر و میزان محکومیتش هم به يك سال و نیم تقلیل پیدا کرد، در این زمان رژیم محدودیتها را بیشتر نمود و مراقبت از ایشان شدیدتر شد و به غیر بستگان درجه يك، از ارتباط دیگران با آیتالله طالقانی جلوگیری نمودند. (۳۵)

ایشان هنگامی که به شهرستان بافت تبعید شد و در آنجا سکنی گزید - بنابر گزارش ساواک - به گردش پرداخته و افکار مسموم خود را به عموم تلقین مینماید و سرلشکر محققى بنابر دستور ساواک اعلام میکند که اعمال و رفتار ایشان را دقیقا تحت کنترل و تنها بستگان درجه يك حق ملاقات با ایشان را دارند. (۳۶)

پس از مدتی در سال ۱۳۵۲ آیتالله طالقانی از تبعید مرخص میشود و به تهران مراجعت مینماید که به محض ورود به تهران گروههای مختلف از جمله اعضای مجمع دین و دانش به ملاقات ایشان میروند و در همین سال ساواک ناچار میشود که اسم ایشان را دوباره جزء وعاظ ممنوعالمنبر قرار دهد. (۳۷)

هنوز مدتی از تبعید و بازگشت آیتالله طالقانی به تهران نگذشته بود در سال ۱۳۵۴ اداره اطلاعات شهربانی کل کشور از تبعید آیتالله طالقانی به طالقان و دستگیری دخترش خبر داد و در خصوص فعالیتهای ضد رژیم و علل دستگیری بدین گونه گزارش میدهد: «برابر اطلاع واصله آقای سید محمود علایی طالقانی (معمم) که به طالقان تبعید شده بوده اخیرا دستگیر و در زندان مییاشد ضمنا دخترش دکتر اقتصاد مییاشد به علت فعالیتهای سیاسی دستگیر که در دادرسی ارتش با يك درجه تخفیف به خاطر داشتن دو بچه به حبس ابد محکوم گردیده است» (۳۸)

هر قدر که به سال ۵۷ نزدیک میشویم دامنه مبارزات گسترده و کنترلها و مراقبتها توسط مأمورین امنیتی بیشتر میشود و حتی افراد کوچک و بازار را تحت کنترل قرار میدهند به طوری که پلیس تهران در سال ۱۳۵۵ از زبان يك فرد عادی که در ساعتسازی مشغول گفتگو مییاشد گزارش میدهد که آقای محمود ذاکری در ساعتسازی آقای محمد رحمانی در بازار تجریش اظهار داشته که آیتالله طالقانی را به زندان سیاسی اوین انتقال دادهاند. (۳۹)

یکی از اقدامات آیتالله طالقانی در سالهای نزدیک به انقلاب بر پایی تظاهراتها بود، علی الخصوص با فرا رسیدن ماه محرم - این اقدامات شدت بیشتری پیدا نمود. و ساواک هم برگزاری چنین تظاهراتها و حرکتی را به طرف منزل آیتالله طالقانی پیشبینی مینمود. (۴۰) به طوری که هنگامی که واقعه هفده شهریور سرکوب شد پس از مدتی دستگاههای امنیتی در تاریخ ۵۷/۹/۱۹ از برپایی تظاهراتی به مناسبت این واقعه خبر داد که آیتالله طالقانی در آن تظاهرات حضور داشته و فیلمهایی از آن واقعه به نمایش گذاشته شده است. (۴۱) و در گزارش دیگر آمده است که آیتالله طالقانی به مبارزه مسلحانه روی آورده و چنین عنوان شده: «اطلاع واصله حاکمیاست مردم در حوالی فرحآباد زاله همچنین در منزل آیتالله طالقانی با ارائه کارت پایان خدمت اسلحه دریافت میدارند. (۴۲)

خلاصه اینکه آیتالله طالقانی از راههای مختلف برای تضعیف و سرنگونی رژیم پهلوی استفاده نمود و به خاطر این مبارزات سالها تحت تعقیب و بازداشت و تبعید به سر میبرد در پایان در بررسی پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام

خمینی (ره) نباید از نقش بهشتیها، مطهریها، طالقانیها ... در به ثمر رساندن این انقلاب غفلت نموده و یا اینکه سهم آنان را در این پیروزی کم رنگ جلو داد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۴، ص ۶۴
- ۲- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۴، ص ۶۴، جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی - ۱۳۲۰-۱۳۵۷ تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۳۳۱
- ۳- ر.ک: آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۴، ص ۶۴، جعفریان، رسول، پیشین، ص ۳۳۲
- ۴- ر.ک: جعفریان، رسول، پیشین، ص ۳۳۴، روزها و رویدادها، مرکز فرهنگی تربیتی نور ولایت، انتشارات پیام مهدی (عج)، تهران ۳۷۹، ص ۳۰۰
- ۵- جعفریان، رسول، پیشین، صص ۳۳۵-۳۳۶
- ۶- همان، صص ۳۳۶-۳۳۸
- ۷- همان، ص ۳۳۹
- ۸- ر.ک به صحیفه امام، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی سازمان مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۱، ص ۴۲۷
- ۹- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۲۹، ص ۶
- ۱۰- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۲۹، ص ۱۴
- ۱۱- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۲۹، ص ۸
- ۱۲- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۲۹، ص ۱
- ۱۳- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۰، ص ۱۲
- ۱۴- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۰، ص ۱۶

- ۱۵- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۲۹، ص ۴۴-۴۵
- ۱۶- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۲۹، ص ۹۳
- ۱۷- حسینیان، روح‌الله، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران (۱۳۴۳-۱۳۴۱)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۴۵۱
- ۱۸- ر.ك: آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۲۹، صص ۱۷ و ۱۹
- ۱۹- ر.ك: آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۲۹، ص ۳
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۰، ص ۶۱
- ۲۰- ر. ك: آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۰، ص ۶۱
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۲۹، ص ۴
- ۲۱- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۴۷، ص ۸۳
- ۲۲- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۰، ص ۷۲ (تاریخ سند ۱۳۴۷/۱/۱۱)
- ۲۳- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۲۹، ص ۲۹
- ۲۴- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۲۹، ص ۹۲
- ۲۵- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۴۷، ص ۳۹
- ۲۶- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۲۹، ص ۹۴
- ۲۷- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۲۹، ص ۹۶
- ۲۸- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۲، ص ۷ و ۸
- ۲۹- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۲، ص ۹
- ۳۰- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۲، ص ۱۳
- ۳۱- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۲، ص ۲۰ و ۲۱
- ۳۲- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۲، ص ۲۲
- ۳۳- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۲، ص ۷۰

- ۳۴- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۲، ص ۷۷
- ۳۵- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۳، ص ۱۲
- ۳۶- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۳، ص ۱۴
- ۳۷- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۳، ص ۶۷ و ۵۹ و ۵۷
- ۳۸- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۳، ص ۶۷
- ۳۹- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۳، ص ۷۰
- ۴۰- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۱۳۳، ص ۸
- ۴۱- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۴۶۰، ص ۱۳۰
- ۴۲- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۴۶۳، ص ۴